

به نام خداوند بخشنده مهربان

مفرح القلوب

(شرح قانونچه چغمینی)

تأليف

محمد اکبر شاه‌ارزی

تصحیح و حاشیه نویسی:

محمد حیدره

هاجر امینی تهرانی

سجاد جمشیدی

زهرا طاهری

سرشابه	: شاه‌ارزانی، محمداکبر بن محمد، قرن ۱۲ ق.
عنوان فرارودای	: قانزجه فارسی شرح
عنوان و نام پدیدآور	: مفرح القلوب (شرح قانزجه چغینی)، تألیف محمداکبر شاه‌ارزانی؛ تصحیح محمد حیدره، هاجر امینی تهرانی، سجاد جمشیدی، زهرا طاهری.
مشخصات نشر	: تهران: چوگان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۷۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۳-۰۸-۶
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
موضوع	: چغینی، محمودبن محمد، - ۱۲۷۵ ق.، قانزجه -- نقد و تفسیر
موضوع	: پزشکی اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۲
شماره افزوده	: حیدره، محمد، ۱۲۵۸ -+ مصحح
شماره افزوده	: امینی تهرانی، هاجر، ۱۳۶۱ -+ مصحح
شماره افزوده	: جمشیدی، سجاد، ۱۳۴۲ -+ مصحح
شماره افزوده	: طاهری، زهرا، ۱۳۹۷ -+ مصحح
شماره افزوده	: چغینی، محمودبن محمد، - ۱۲۷۵ ق.، قانزجه، شرح
رده بندی کتاب	: ۱۳۹۵/۱۱۸۳۸
رده بندی	: ۶۱۰/۸۱۷۶۷۱
شماره شناسایی	: ۷۷۴۳۸۲

مفرح القلوب

(شرح قانزجه چغینی)

تألیف: محمد حیدره، هاجر امینی تهرانی، سجاد جمشیدی، زهرا طاهری

تصحیح و حاشیه نویسی: محمد حیدره، هاجر امینی تهرانی، سجاد جمشیدی، زهرا طاهری

ناشر: چوگان

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰ جلد

بها: ۵۴۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۳-۰۸-۶

تلفن: ۶۶۴۰۶۴۷۷-۰۹۱۲۳۵۹۱۴۴۳

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان آذر، کوچه پارسى پلاک ۶

WWW.CHOOGAN.COM

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و

موجب پیگرد قانونی می‌شود.

مقدمه مصحح

سپاس بی انتها خداوند علیم را سزاست که دُرّ گران معرفت را در نماد انسان ودیعه گذاشت تا با آگاهی از خویش و جهان پیرامونش همواره از تنگناهای حیات و درد و رنج حوادث بکاهد و با کاوش در عالم بر اصل «کمال غایت فعلیت است» لباس نمود و تجلی بیوشاند.

قطره ای علم است بخشیدی زپیش متصل گردان به دریاهای خویش

ایران با تاریخی پر فراز و نشیب همواره در عرصه علوم مختلف بزرگانی را در دامن پرمهرش پرورش داده که چرخ راه آسایش بشر بوده اند، در این میدان فراخ، گسترده دانش پزشکی نیز همواره مزین به حضور و دانش حکیمان و طبیبان ایرانی بوده است چه در دوره قبل از اسلام و چه بعد از آن. دانشگاه و بیمارستان چندی ناپور که با همت خسرو انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱) به یک مرکز بزرگی علمی و پزشکی بدل آمد، خاندان بختیشوع که نقش بسیار مهمی را در گسترش طب ایرانی و اسلامی داشته اند، بیان یکی از میزان است در تأیید این ادعا و البته درخشش بزرگانی چون ابن سینا و رازی و امثالهم اظهر من الشمس و ... نیاز از بیان.

کتاب بسیار ارزشمند قانونچه تألیف حکیم محمد بن محمد چغینی خوارزمی متوفی به سال ۷۴۵ ه. ق. است که در نهایت ایجاز نگاشته شده و با وجود حجم کم، مطالب زیادی از مباحث طب قدیم را در خود جای داده است. از آن جا که زبان علمی در دوره و محیطی که کتاب قانونچه تألیف شده عربی بوده، اصل کتاب به زبان عربی است و اهمیت و شهرت آن در آموزش طب باعث گردیده تا شرح های مختلفی بر آن نگاشته شود. در این بین کتاب «منازل العرب» تألیف حکیم محمد اکبر شاه ارزانی از جمله شرح هایی است که در قرن سیزدهم بر قانونچه نوشته شده است - آن گونه که خود مؤلف در سرآغاز کتاب بیان کرده تألیفش را در سال های آخر حکیم عالم گیر به اصرار دوستانی که نزدش قانونچه می خوانده اند شروع کرده. شرح حال دقیق و متقنی در مورد ولادت و وفات و سرگذشت حکیم ارزانی در کتب تاریخ طب نیامده است. ظاهراً وی اهل بنگال بوده و در مذهب پیرو اهل سنت و مسلط به زبان فارسی و عربی. در اواخر عمرش به عظیم آباد مهاجرت کرده و در همان جا وفات نموده است. وی علاوه بر مفرح القلوب آثار دیگری نیز دارد که از جمله آن ها می توان به قرابادین قادری، مجربات اکبری و میزان الطب اشاره کرد.^۱

۱ - جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به: کتاب طب از آغاز تا کنون و نیز تاریخ پزشکی دوران حکومت مغولان در هند، تألیف دکتر سیده جلیله شهیدی که به همت مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی تهران منتشر شده.

کتابی که پیش رو دارید، حاصل بازخوانی و بازنویسی نسخه ای از مفرح القلوب است که در قطع رحلی در لاهور به شیوه چاپ سنگی در سال ۱۳۳۳ ه. ق به طبع رسیده است. هدف ما در این بضاعه مزاجه انجام خدمتی در پاسداشت طب کهن ایران و اسلام بود که با امتنان و رخصت مدیریت محترم انتشارات چوگان فراهم شد و الا به مصداق الفضل و للمتقدم، کار اصلی را در این زمینه استاد اسماعیل ناظم و محسن باغبانی انجام داده اند که بی شک سعیشان در نزد اهل علم مشکور است.

عمده کار در بازنویسی بر حفظ امانت استوار بوده اما در مواردی که غلط چاپی معرّض بوده به ضرورت و جهت فهم درست مطلب بر شکل صحیح کلمه یا عبارت در پاورقی ذکر و در مواردی نیز کلماتی به متن اضافه شد که داخل قلاب [] قرار داده شده است. پاراگراف بندی و به کار بردن علائم نگارشی به لحاظ این که در متن کتاب فنی و به شیوه ای هنرمندانه با عبارات عربی در هم تنیده شده، جهت کمک به سهولت خواندن متن، انجام گرفته است. نیز با مراجعه به فرهنگ لغاتی چون دهخدا و معین هر جا که لازم به نظر رسید معنی بعضی لغات و اصطلاحات و در مواردی ترجمه عبارات عربی در پاورقی ذکر شده است.

بی شک این کار به سرانجام نمی رسید اگر نه عنایت و همراهی آقایان دکتر محمد جواد محسنی و محمد جمشیدی در نشر چوگان نبود. صمیمانه از تلاش و سپاسگزاریم.

و سخن پایانی این که، با همه علاقه و دقتی که در یکوارانه دادن این خدمت انجام شده از زبان حکیم محمد ارزانی معترفیم که: احیاناً اگر خطایی در فهمیدن این عبارت [آن] رفته باشد به اصلاح آن توجه کردن بر واقف آن واجب است که غرض از این محنت و ارقاء، منافع انام است. والسلام.

فهرست

۳۵	مقدمه
۳۷	المقالة الاولى في الامور الطبيعية
۴۱	الفصل الاول في الاركان و الامزجه
۴۱	اركان
۴۳	آتش
۴۳	هوا
۴۳	آب
۴۳	زمین
۴۹	مزاج
۵۷	معتدل بالفرض
۵۷	خارج از اعتدال مفروض
۵۷	معتدل مفروض، عارض و متولد از اشت و جوه از اعتبارها
۵۷	معتدل نوعی به قیاس به سوی آن چه خارج است از نوع او
۵۷	معتدل نوعی به قیاس به سوی چیزی که داخل است در نوع وی
۵۸	معتدل صنفی قیاس به آن چه او خارج است از صنف او
۵۸	معتدل صنفی قیاس به آن چه او داخل است در صنف او
۵۹	معتدل شخصی قیاس به آن چه او بیرون است از آن شخص
۵۹	معتدل شخصی قیاس به احوال در نفسش
۵۹	معتدل عضوی قیاس به غیر او
۶۰	معتدل عضوی، قیاس به احوال او در نفسش
۶۰	خارج از اعتدال مفروض
۶۰	گرم تر
۶۰	سرد تر
۶۰	تر تر
۶۰	خشک تر
۶۰	گرم تر و تر تر
۶۰	گرم تر و خشک تر
۶۱	سرد تر و خشک تر
۶۲	الفصل الثاني في الاخلاط

۶۲	خلط
۶۴	اقسام خلط
۶۴	خون
۶۵	صفرا
۶۶	بلغم
۶۶	سودا
۶۸	طبیعی و غیر طبیعی
۶۸	خون طبیعی
۶۹	دم غیر طبیعی
۷۰	صفرای طبیعی
۷۱	صفرای ناطیعی
۷۱	مِرّه صفرا
۷۱	صفرای مَحی
۷۱	صفرای کرائی، یعنی گندنائی
۷۱	صفرای زنگاری
۷۳	بلغم طبیعی
۷۳	بلغم غیر طبیعی
۷۴	بلغم شیرین
۷۴	بلغم شور
۷۴	بلغم ترش
۷۵	بلغم عفص
۷۶	بلغم تفه
۷۸	سودای طبیعی
۷۸	غیر طبیعی
۸۸	الفصل الثالث فی الاعضاء
۸۸	اعضا
۸۹	اعضا منقسم می شود به رئیس و غیر رئیس
۸۹	اعضای رئیس
۹۰	دل

- ۹۰ دماغ
- ۹۱ جگر
- ۹۲ اعضای که خادم اعضای رئیس اند
- ۹۳ اعضای که مروسه اند
- ۹۳ اعضای غیر رئیس، که نه خادم اند و نه مروس
- ۹۴ اعضای مفرد
- ۹۴ اعضا، مرکب
- ۹۷ الفصل الرابع في القوى و هي ثلاثة اقسام
- ۹۸ قوت طبیعی و آزاد در جگر است
- ۹۸ قوت حیوانی و آن در دل است
- ۹۸ قوت نفسانی و آن در مغ است
- ۹۸ قوت طبیعی منقسم می شود به دو قسم مخدومه و خادمه
- ۹۸ مخدومه منقسم می شود به غذای و نامیه
- ۹۸ خادمه منقسم می شود مولده و مصوره
- ۹۸ غذایه
- ۹۸ قوت نامیه
- ۹۸ مولده
- ۹۸ نوعی
- ۱۰۰ مصوره
- ۱۰۱ قوت ها که خوادم غذایه اند: یکی جاذبه. دوم ماسکه. سوم ماضی. چهارم دافعه
- ۱۰۳ قوت حیوانی
- ۱۰۴ قوت نفسانی
- ۱۰۴ مدرکه
- ۱۰۴ حواس خمسہ ظاهری: شنوائی و بینائی و شنیدن و ادراک به چشیدن و سوزدن
- ۱۰۹ حواس خمسہ باطنی
- ۱۰۹ حس مشترک
- ۱۰۹ موضع حس مشترک
- ۱۱۰ حس دوم از حواس باطن، خیالی است
- ۱۱۰ موضع حس خیالی

۱۱۱	حس سوم از حواس باطن، متصرفه است
۱۱۲	موضع قوت متصرفه
۱۱۲	حس چهارم از حواس باطنه، وهم است
۱۱۳	حس پنجم حواس باطن، حافظه است
۱۱۴	موضع حافظه
۱۱۴	اما قوت محرکه، پس منقسم می شود به سوی باعته و فاعله
۱۱۴	باء
۱۱۵	قوة افعاله
۱۱۶	الفصل الخامس في بقية الأمور الطبيعية
۱۱۶	افعال
۱۱۶	ارواح
۱۱۶	افعال دو گونه است: مفرد و مرکب
۱۱۶	فعل مفرد
۱۱۷	فعل مرکب
۱۱۷	انواع ارواح
۱۱۹	روح به طبیعی
۱۱۹	روح نفسانی
۱۱۹	روح حیوانی
۱۱۹	سن ها
۱۱۹	سن نمو
۱۲۰	سن وقوف (شباب)
۱۲۳	سن انحطاط (کهنولت)
۱۲۳	سن انحطاط (شیخوخت)
۱۲۶	فرق در نر و ماده به اعتبار مزاج
۱۲۶	نر
۱۲۶	ماده
۱۲۹	المقالة الثانية في التشرح
۱۳۳	الفصل الاول في العظام
۱۳۳	کاسه سر
۱۳۸	دست، پس هر یک از آن مرکب است از کتف

گرددن مرکب است از هفت استخوان و آن فقار عنق است ----- ۱۴۰

چنبر گردن مرکب است از دو استخوان ----- ۱۴۰

سینه مرکب است از هفت استخوان و آن را عظام القُص گویند ----- ۱۴۱

پشت مرکب است از هفده فقره و بیست و چهار قبرغه ----- ۱۴۱

عجز مرکب از سه فقره است و دو استخوان با او پیوسته است و این دو استخوان را عظمی العائنه

گویند ----- ۱۴۲

عصعص مرکب است از سه فقره و بدان که فقار مذکور غضروفی است و زوائد ندارد ----- ۱۴۳

پای ها هر واحد از آن مرکب است از فخذ و ساق و قدم ----- ۱۴۳

ران بزرگ تر است استخوان های بدن است ----- ۱۴۳

قصبه یک را گویند دوم را صغری ----- ۱۴۳

قدم که عبارت است از مادن ساق، مرکب است از استخوان های بسیار چون کعب و عقب و

زورقی و نردی و آنها استخوان رسغ و پنج استخوان مشط و پنج انگشت که جمله مرکب اند

از چهارده قطعه ----- ۱۴۴

الفصل الثانی فی بقية الاعضاء المفصلة ----- ۱۴۷

غضروف ----- ۱۴۷

بی ----- ۱۴۷

عصب ----- ۱۴۹

اعصاب نخاعی ----- ۱۴۹

شعبه اول اعصاب نخاعی ----- ۱۴۹

شعبه دوم اعصاب نخاعی ----- ۱۴۹

شعبه سوم اعصاب نخاعی ----- ۱۵۰

شعبه چهارم اعصاب نخاعی ----- ۱۵۱

شعبه پنجم اعصاب نخاعی ----- ۱۵۱

شعبه ششم اعصاب نخاعی ----- ۱۵۱

شعبه هفتم اعصاب نخاعی ----- ۱۵۲

حرام مغز ----- ۱۵۲

عصب نخاعی ----- ۱۵۲

شعبه اول ----- ۱۵۲

شعبه دوم ----- ۱۵۳

۱۵۴	شعبه سوم
۱۵۴	شعبه چهارم
۱۵۵	اوتار
۱۵۶	رباط ها
۱۵۶	عضل ها
۱۵۷	شرائین
۱۵۹	اورده
۱۶۱	گوست
۱۶۱	پیه
۱۶۲	غشاء
۱۶۳	پوست
۱۶۴	موی
۱۶۵	ناخن
۱۶۷	الفصل الثالث فی تشریح الاعضاء البمرکة کالدماغ و العینین و الاذنین و اللسان ---
۱۶۷	دماغ
	مغز و رگ های جهنده و ناحنده و غشا که منقسم است به ام الدماغ، و غشائی دیگر که
۱۶۷	ملاقی قحف است
۱۷۱	چشم
۱۷۱	ملتحمة
۱۷۱	قرنیه
۱۷۲	عنبیه
۱۷۳	رطوبت بیضیه
۱۷۳	عنکبوتیه
۱۷۳	رطوبت جلیدیه
۱۷۴	رطوبت زجاجیه
۱۷۴	شبکیه
۱۷۴	مشیمیه
۱۷۵	صلبیه
۱۷۵	گوش

١٧٦	زبان
١٧٧	الفصل الرابع في الريه و القلب
١٧٧	شش
١٧٧	جزو اول
١٧٨	جزو دوم
١٧٨	جزو سوم
١٨١	دل
١٨٢	من دانت
١٨٢	بطن چپ
١٨٤	الفصل الخامس في ریح حجاب الصدر و المعدة و الامعاء
١٨٤	پرده سينه (حجاب صدر)
١٨٤	معدة
١٨٥	مری، دوم فم معدة، سوم معر
١٨٥	مری
١٨٥	دهن معدة
١٨٥	قعر معدة
١٨٦	رودها
١٨٦	امعاء
١٨٩	الفصل السادس في تشريح الكبد و المراره و الطحال
١٨٩	جگر
١٩٠	مراره (تليخه)
١٩١	سپرز
١٩٣	الفصل السابع في بقية الاعضاء المركبة
١٩٣	گرده ها
١٩٤	مثانه
١٩٥	خصيتين
١٩٧	قضيبة
١٩٨	زهدان
٢٠٥	المقالة الثالثة في احوال بدن الانسان

٢٠٩	الفصل الاول في الصحة و المرض
٢٠٩	صحت
٢١١	بیماری
٢١٢	مرض مفرد
٢١٢	سوء المزاج
٢١٤	سوء مزاج مادی و سادہ
٢١٤	مادى
٢١٤	بى دہ
٢١٦	مرض ترکیبی
٢١٦	مرض خللت
٢١٦	مرض مجاری
٢١٦	مرض اوعیه
٢١٧	مرض الصفائح
٢١٧	مرض المقدار
٢١٧	مرض العدد
٢١٨	مرض الوضع
٢١٩	تفرق الاتصال
٢٢٢	مرض مرکب
٢٢٢	مانند ورم ها و بشرها
٢٢٥	الفصل الثانى فى الاسباب الضرورية المغيرية الاحوال بدن الانسان والحافطة لها -
٢٢٥	اسباب (سته) ضرورى
٢٢٥	هوا
٢٢٩	افلاك
٢٢٩	مقدمه
٢٣٢	فلک ناسع
٢٣٢	فلک ثامن
٢٣٥	ارض
٢٤٠	اقليم اول
٢٤١	اقليم دوم

۲۴۲		اقليم سوم
۲۴۵		اقليم چهارم
۲۴۸		اقليم پنجم
۲۴۹		اقليم ششم
۲۴۹		اقليم هفتم
۲۵۵		خوردنی ها و نوشیدنی ها
۲۵۶		غذای مطلق
۲۵۶		دری مدل
۲۵۶		غذای دوائی
۲۵۶		دواء مطلق
۲۵۶		دواء سمی
۲۵۶		سم صرف
۲۶۴		داروها
۲۶۴		درجه نخستین
۲۶۴		درجه دوم
۲۶۴		درجه سوم
۲۶۴		درجه چهارم
۲۶۵		دوای معتدل
۲۶۶		دوای خارج از اعتدال
۲۶۸		تعین درجات
۲۷۱		غذا لطیف
۲۷۱		غذا کثیف
۲۷۱		کثیر الغذاء
۲۷۲		قلیل الغذاء
۲۷۲		حسن الکیموس
۲۸۷		خواب و بیداری
۲۸۹		حرکت و سکون بدن
۲۸۹		حرکت چهار است: "ابنی" و "وضعی" و "کمی" و "کیفی"
۲۹۴		استفراغ و احتباس

احتباس ----- ۲۹۴

احتباس از ضعف قوت هاضمه یا از ضعف قوت دافعه ----- ۲۹۴

احتباس از تنگ شدن راه ها ----- ۲۹۴

احتباس از سده که در مجاری یا غلظت که در ماده پدید آید ----- ۲۹۵

احتباس از بسیاری ماده ----- ۲۹۵

احتباس از لزوجت ماده ----- ۲۹۵

احتباس از کم شدن حس بر حاجت دفعی ----- ۲۹۵

احتباس از باز گشتن طبیعت به جهتی دیگر که غیر جهت دفع باشد ----- ۲۹۵

استفراغ ----- ۲۹۵

عوارض نفسانی ----- ۲۹۶

الفصل الثالث فی اسباب المذمة ----- ۳۰۱

اسباب ممرضه ----- ۳۰۱

سبب بادی (بادیه) ----- ۳۰۱

اسباب بدنی (سابقه) ----- ۳۰۲

اسباب واصله ----- ۳۰۲

اسباب مرض گرم ----- ۳۰۳

حرکت که در گذرد از اعتدال تجوز قليلا ----- ۳۰۳

ملاقات حرارت است بالفعل ----- ۳۰۳

ملاقات حرارت است بالقوه ----- ۳۰۴

سبب های بیماری سرد ----- ۳۰۵

مصادقت سردی است که بالفعل سرد بود ----- ۳۰۵

مصادقت سردی که بالقوه سرد بود ----- ۳۰۵

کم خوردن است به نهایت، یعنی بسیار کم خوردن ----- ۳۰۵

افراط در خوردن است ----- ۳۰۵

کثیف شدن مسام است به افراط ----- ۳۰۶

حرکت به افراط است ----- ۳۰۶

سکون مفرط است ----- ۳۰۷

گشاده شدن مسام به افراط است از هر سبب که باشد ----- ۳۰۷

سبب های بیماری خشک ----- ۳۰۷

۳۰۷	ملاقاة يابس بالفعل
۳۰۷	يابس بالقوه
۳۰۷	قلة الاكل
۳۰۷	الحركة المفرطة
۳۰۷	سبب های بیماری های تر
۳۰۷	ملاقاة مرطب بالفعل
۳۰۸	ملاء، مرطب بالقوة
۳۰۸	كثرة الكل
۳۰۸	السكون المفرط
۳۰۸	سبب های مرض ترکیب
۳۱۵	سبب های اتصال نفرة جزاء عضو
۳۱۵	اسباب از داخل بدن
۳۱۶	اسباب تفرق از خارج
	الفصل الرابع في العلامات الدالة على احوال بدن الانسان من جهة المزاج (نشان ها
۳۱۷	که دلالت دارند بر احوال تن آدمی از روی مزاج)
۳۱۸	ملمس
۳۱۹	گوشت و پیه
۳۲۰	احوال موی
۳۲۳	رنگ بدن
	الفصل الخامس في العلامات الدالة على احوال البدن من جهة لاخلط
۳۲۷	غلبه خون
۳۲۹	زیادتی بلغم
۳۳۰	غلبه صفرا
۳۳۲	زیادتی سودا
	المقالة الرابعة في النبض و التفسره
۳۳۵	
۳۳۷	تعلیم اول در نبض
	الفصل الاول في البسائط من النبض
۳۴۱	
۳۴۴	حرکت اینی
۳۴۵	حرکت وضعی

۳۴۵	حرکت کمی
۳۴۷	حرکت کیفی
۳۴۷	حرکت عرضی
۳۴۷	حرکت قسری
۳۴۷	حرکت ارادی
۳۴۷	حرکت طبیعی
۳۴۹	در بیان چگونگی حرکت نبض و بیان آن که محرک او کیست
۳۴۹	قسم اول: حرکت نبض توتیر است یا به قبض و بسط
۳۵۰	قسم دوم: آن که محرک رگ کیست
۳۵۰	قسم سوم: قبض و بسط شش این هر دو بالقهر اند یا بالطبع
۳۵۷	جنس اول گرفته شده است از مقدار انبساط عرق من حیث الطول و العرض و العمق
۳۵۸	طویل
۳۵۸	قصیر
۳۵۸	میان در طول و قصیر
۳۶۰	عریض یعنی پهنا
۳۶۰	ضیق
۳۶۰	معتدل
۳۶۰	شاهق
۳۶۰	منخفض
۳۶۱	متوسط بینهما
۳۶۱	جنس دوم از اجناس عشره بسیط نبض، مأخوذ است از چگونگی کوفتن و انامل را
۳۶۱	قوی
۳۶۱	ضعیف
۳۶۲	معتدل
۳۶۳	جنس سوم مأخوذ است از وقت حرکت رگ
۳۶۳	سریع
۳۶۳	بطی
۳۶۳	متوسط
۳۶۴	جنس چهارم گرفته شده از قوام عرق

۳۶۵	نبض صلب
۳۶۵	نبض لین
۳۶۵	نبض معتدل
۳۶۶	جنس پنجم مأخوذ است از زمان سکون
۳۶۶	متواتر
۳۶۷	نبض متفاوت
۳۶۷	معتدل
۳۶۷	جنس ششم مأخوذ است آنچه از مقدار میان کواکی رگ ها است؛ قطع نظر از جرم عروق
۳۶۷	نبض پر (ممتلئ)
۳۶۹	نبض تهی
۳۶۹	نبض معتدل در متلاخلع
۳۶۹	جنس هفتم مأخوذ است از کیفیت ذات رگ ها من حیث اللمس فقط
۳۷۰	نبض گرم
۳۷۰	نبض سرد
۳۷۰	نبض متوسط در حرارت و برودت
۳۷۱	جنس هشتم مأخوذ است از وزن حرکت عرق
۳۷۲	جنس نهم مأخوذ است از استواء و اختلاف
۳۷۲	نبض مستوی
۳۷۴	نبض مختلف
۳۷۵	جنس دهم مأخوذ است از انتظام و غیر انتظام
۳۷۵	نبض منتظم
۳۷۵	نبض نامنتظم
۳۷۶	الفصل الثانی فی الانواع المركبة من النبض (اقسام مرکبه نبض)
۳۷۶	نبض عظیم
۳۷۶	نبض صغیر
۳۷۶	نبض معتدل
۳۷۶	نبض غلیظ
۳۷۶	نبض دقیق
۳۷۶	نبض معتدل در غلیظ و دقیق

۳۷۸	نبض غزالی
۳۷۸	نبض موجی
۳۷۹	نبض دودی
۳۸۰	نبض نملی
۳۸۰	نبض منشاری
۳۸۲	ذنب القار
۳۸۴	نبض ی ذو قنوت
۳۸۵	بعضی از مرکبات واقع در وسط است
۳۸۶	نبض هان مسال
۳۸۷	نبض لرزان
۳۸۷	نبض ملتوی
۳۹۰	نبض مرد وزن
۳۹۰	نبض استان
۳۹۰	نبض مزاج ها
۳۹۰	نبض مهزول و سمین
۳۹۰	نبض حلی
۳۹۰	تغییرات نبض حسب وصول سال و مزاج و بلاد
۳۹۱	نبض نوم و یقطه
۳۹۱	نبض ریاضت
۳۹۱	نبض طعام و شراب و آب
۳۹۲	نبض کسی که غسل کند با آب گرم یا سرد
۳۹۲	نبض اوجاع
۳۹۲	نبض اورام
۳۹۴	نبض اعراض نفسانی
۳۹۴	نبض امراض
۳۹۵	تعلیم ثانی در بیان تفسره
۳۹۶	ظرف
۳۹۶	بول کدام وقت معتبر است
۳۹۷	اشیائی که مغیر بول اند چه اکلاً و چه بدون آن

قاروره را به چه وجه نگه دارند و چگونه در آن نظر کنند و پس از خروج در چه مدت از

اعتبار ساقط می شود؟----- ۳۹۸

بول انسان ----- ۳۹۸

بول از کدام عضو بیشتر نشان می دهد و از چه چیز اخبار می کند ----- ۳۹۹

بول صبیان ----- ۴۰۰

الفصل الثالث فی الوان البول----- ۴۰۱

زردی ----- ۴۰۱

سبزی ----- ۴۰۲

سیاهی ----- ۴۰۲

سپیدی ----- ۴۰۲

رنگ زرد ----- ۴۰۳

کاهی ----- ۴۰۳

صفت اترجی ----- ۴۰۴

صفت اشقر است ----- ۴۰۵

لون سرخ ----- ۴۰۷

اصهب ----- ۴۰۷

وردی ----- ۴۰۸

احمر قانی ----- ۴۰۸

احمر اقم ----- ۴۰۸

لون سبز ----- ۴۱۳

پسته ای ----- ۴۱۳

آسمانی ----- ۴۱۴

لون آبی که نیل در آن مذاب باشد ----- ۴۱۴

گندنایی ----- ۴۱۴

زنگاری ----- ۴۱۵

بول سیاه ----- ۴۱۵

سیاهی که رسیده باشد از طریق زعفرانی ----- ۴۱۵

سیاهی که حاصل شود از احمر اقم ----- ۴۱۵

۴۱۶	سیاهی که از بول سبز حاصل آید. یعنی بعد سبزی، سیاه گردد
۴۱۶	سیاهی که از سیدی حاصل شده باشد
۴۲۰	سیدی بول
۴۲۴	قسم اول در بول ایض مشف مائی
۴۲۵	قسم دوم در بول ایض مشف که قوام او زائد بر مائیت بود
۴۲۹	الوان کبه
۴۲۹	قسم اول غسالی
۴۲۹	قسم دوم زیتی
۴۳۰	قسم سوم از وانی
۴۳۰	قسم چهارم
۴۳۲	الفصل الرابع فی قوام البول ورائحه
۴۳۲	بول از جهت قوام
۴۳۲	بول رقیق
۴۳۲	سده
۴۳۲	ضعف گرده
۴۳۳	نوشیدن آب بسیار
۴۳۳	سردی و خشکی
۴۳۳	بازگشتن ماده است از مجاری آب
۴۳۳	مندفع شدن رطوبات رقیقه
۴۳۴	بول غلیظ
۴۳۶	بول از جهت بوی
۴۳۶	کم بوی
۴۳۶	ترش بوی
۴۳۶	شیرین بوی
۴۳۶	بد بوی
۴۳۶	قسم اول. در بول ذی رایحه
۴۳۷	قسم دوم. در بول عذیم الرایحه
۴۳۷	نوع اول آن که معتدل الرایحه بود
۴۳۷	نوع دوم آن که در حالت صحت بول آید ذی رایحه واشدید النتن

۴۳۷	نوع سوم آن که در مرض بول [ی] آید قوی رایحه [و] شدید التّن
۴۳۷	نوع چهارم آن که بول ترش بوی آید
۴۳۸	نوع پنجم آن که بول او میل به حلاوت داشته باشد
۴۳۸	نوع ششم آن که بول عذیم رایحه آید از ابتدا
۴۳۸	نوع هفتم آن که بول عذیم رایحه آید بعد مستحیل شدنش از تن
۴۳۸	نوع هشتم آن که بول عذیم رایحه آید بعد بول متن بگتأ
۴۳۹	الفصل الخامس فی صفاء البول و کدورتہ و قلته و کثرتہ و زبدہ
۴۳۹	کد
۴۳۹	بول صاف
۴۴۱	بولی که از ممدار معده کم آید
۴۴۳	بول معتدل در قوت و کثرت
۴۴۳	کف بول
۴۴۳	بسیاری کف
۴۴۵	الفصل السادس فی الرسوب
۴۴۵	رسوب طبیعی
۴۵۰	رسوب غیر طبیعی
۴۵۰	رسوب خراطی
۴۵۳	رسوب دشیشی
۴۵۴	رسوب لحمی
۴۵۵	رسوب دسمی
۴۵۶	رسوب مدی
۴۵۶	رسوب مخاطی
۴۵۷	رسوب شعری
۴۵۸	رسوب خمیری
۴۵۸	رسوب ریگی
۴۵۹	رسوب خاکستری
۴۵۹	رسوب غلقی و دموی
۴۶۰	رسوب به اعتبار مکان
۴۶۰	رسوب غمام

۴۶۰	رسوب معلق
۴۶۱	رسوب ته نشین
۴۶۲	بول صحیح نضج
۴۶۴	الوان استان و فرق در آن
۴۶۴	بول مردان و زنان و فرق بینهما
۴۶۵	براز
۴۶۶	کثرت براز
۴۶۶	براز کثیر
۴۶۷	براز قلیل
۴۶۸	قوام براز
۴۶۹	لون براز
۴۷۱	براز ابيض
۴۷۲	براز اسود
۴۷۳	براز اخضر
۴۷۴	هیئت براز
۴۷۴	استدلال از وقت براز
۴۷۵	سریع البروز
۴۷۶	بطی البروز
۴۷۶	رایحه براز
۴۷۶	زبد براز
۴۷۶	برآمدن براز به آواز و قراقر
۴۷۷	عرق
۴۷۸	کثرت و قلت عرق
۴۷۹	لون عرق
۴۷۹	رایحه عرق
۴۷۹	طعم عرق
۴۷۹	حرارت و برودت عرق
۴۷۹	قوام عرق
۴۷۹	نفث

کثرت و قلت نفث ۴۸۰

لون نفث بیاض ۴۸۰

رایحه نفث ۴۸۰

طعم نفث ۴۸۰

قوام نفث ۴۸۰

شکل نفث ۴۸۱

وقت برآمدن نفث و سهولت خروج و تعسر آن ۴۸۱

المقالة الخامسة في تدبير الأصحاء وعلاج المرضى على وجه كلي (تدبير تندرستان و

معالجه بیماران) ۴۸۳

الفصل الاول في تدبير المأكول والمشروب ۴۸۷

غذای لذیذ و مرطبات ۴۹۶

غذای مطلق و جواز البلاط و ابل و وی و بیان اغذیه فاضله ۴۹۷

اغذیه دوائیه و اجتناب از آن ۴۹۹

ترتیب غذا ۵۰۰

آن چه احداث سده می کند ۵۰۲

چیزها است که تناول آن بعد بعض حالات منهی است ۵۰۲

اختلافات امزجه و حال و حسب آن تدبیر نمودن ۵۰۳

اطعمه متناسبه هر مزاج ۵۰۳

تدارک مضرت اغذیه دوائیه ۵۰۴

تدارک فساد غذا بر سبیل عموم ۵۰۵

طبخ طعام در کدام ظرف بهتر است و در کدام ظروف منهی است و هر چه با آن متعلق است ۵۰۶

وقت شرب آب ۵۰۷

اوقات منهی شرب آب ۵۰۷

منع جمع در مائین مختلفین ۵۰۹

احکام ماء بارده و قاتر و حار و ذکر آن که بهر مزاج کدام آب اصلح است ۵۱۰

عطش صادق و کاذب و طریق شرب آب و مایه‌تعلق به ۵۱۲

تدبیر لذع که بعد شرب پدید آید ۵۱۵

تدبیر امتلای شراب ۵۱۶

تدبیر اصحاء سکران ۵۱۶

۵۱۷	تدبیر خمار
۵۱۸	الفصل الثانی فی الرياضة و الدلک
۵۱۸	ریاضت
۵۱۹	ریاضت عامه
۵۲۰	ریاضت مخصوصه
۵۲۴	دلک
۵۲۴	مالیدن سخت
۵۲۴	مالیدن نرم
۵۲۴	مالیدن بهار
۵۲۴	مالیدن متوسل
۵۲۴	مالیدن درشت
۵۲۴	دلک صاف
۵۲۷	الفصل الثالث فی تدبیر الاستحمام
۵۲۷	بهترین حمام
۵۳۱	بعض چیزهایی که تعلق به استحمام دارد و استحamin را عمل بر آن لازم
۵۳۱	هر که مزید حفظ صحت باشد استحمام جهت حفظ مزید صحت فقط
۵۳۱	استعمال آبرزن
۵۳۱	چیزهای مزیل الوسخ که استعمال آن می نمایند
۵۳۲	دلک جهت استحمام
۵۳۲	حک رجل به حجر (سنگ پا)
۵۳۲	حلق راس و ابط و عانه در حمام
۵۳۲	قی کردن و حجامت نمودن در حمام
۵۳۴	اغتسال با آب سرد عقب استعمال آب گرم
۵۳۴	اغتسال به ماء بارد عقب ریاضت
۵۳۶	الفصل الرابع فی تدبیر النوم و الیقظه
۵۳۶	بهترین خواب
۵۴۰	رویا که به سیر عالم مجردات روی نماید نفس ناطقه را
۵۴۱	رویای تخیلی
۵۴۱	رویایی که بنابر تغیر مزاج روح واقع شود
۵۴۳	الفصل الخامس فی التدبیر بحسب الفصول

۵۴۳	ربیع
۵۴۵	گرما
۵۴۶	خریف
۵۴۸	سرما [زمستان]
۵۵۳	الفصل السادس فی تدبیر الحبلی و الموضعه و الاطفال
۵۵۳	اوقاتی که فصد و قی و اسهال برای حوامل منهی است
	واجب است حامله را از احتراز از ترس قوی و آوازه‌های مهیب و بوئیدن بوهای طعام ها
۵۵۳	یکبارگی
۵۵۷	تدبیر بیان و قی
۵۵۸	تدبیر اشتهاى سرد
۵۵۸	تدبیر سقوط اشتها
۵۵۸	تدبیر خفقان
۵۵۸	تدبیر باد که در معده و روده گردد
۵۵۹	تدبیر ورم که در پشت پای ظاهر شود
۵۵۹	تدبیر خارش و جوشش که اندرون فرج را در آن بدید آید
۵۵۹	تدبیر تمدد شکم
۵۵۹	تدبیر خونی که از حبلی ظاهر شود
۵۵۹	تدبیر شیرده
۵۶۰	تدبیر مولود از وقت ولادت یا هنگام نهوض
۵۶۵	تدبیر رضاع و کیفیت اوضاع و طریق صواب
۵۶۶	شرایط مرضعه
۵۷۰	تدبیر فطام یعنی از شیر باز داشتن
۵۷۲	محافظت و پرورش اطفال و تدبیر تسهیل انبات دندان و هر چه بدان تعلق دارد
۵۷۲	تدبیر کلیه اطفال
۵۷۴	ربیع الصیان
۵۷۶	عطسه متواتر
۵۷۶	عطاش
۵۷۷	اجتماع الماء فی الراس
۵۷۷	قسم اول

٥٧٨	قسم دوم
٥٧٩	الورم الخارج من القحف
٥٧٩	تشنج
٥٨٠	كزاز
٥٨٠	كثرة البكاء و السهر
٥٨١	الفرع فى النوم
٥٨٢	الفرع فى اليقظة
٥٨٢	الزكام و النزلة
٥٨٣	وجع الاذن
٥٨٣	حكة الاذن
٥٨٣	سيلان الرطوبة من الاذن
٥٨٤	انتفاخ العين
٥٨٤	رمد
٥٨٥	بياض الاحداق
٥٨٥	السلاق
٥٨٥	الحول
٥٨٦	التصاق الجفن
٥٨٦	زرقه
٥٨٦	احتباس الشئ فى مجرى الانف
٥٨٧	القلاع
٥٨٨	لدغ الله
٥٨٨	اورام الله
٥٨٩	ورم الحلق
٥٨٩	اورام اللوزتين
٥٩٠	استرخاء اللهاة
٥٩٠	اسعال
٥٩٢	ذات الريه
٥٩٢	سوء التنفس
٥٩٣	خرخرة عظيمه فى النوم

٥٩٤	الفواق
٥٩٤	القي المبرح
٥٩٥	ضعف المعده
٥٩٥	تجنب اللبن في المعده
٥٩٦	الهضه
٥٩٦	الاسهال
٥٩٧	قسم اول
٥٩٨	قسم دوم
٥٩٩	قسم سوم
٥٩٩	الاعتقال
٦٠٠	المغص
٦٠١	تتو السره
٦٠١	ورم السره
٦٠٢	يفتح السره
٦٠٢	الفتق والقي
٦٠٣	الزحير
٦٠٤	تولد الديدان
٦٠٥	تخروج المقعد
٦٠٥	حرقه البول
٦٠٥	البول في الفراش
٦٠٦	عُسر البول
٦٠٨	الحميات
٦٠٨	حماى دموى
٦٠٩	حماى صفراويه بسيط
٦١٠	حماى بلغميه بسيط
٦١٠	حماى سوداويه
٦١١	حماى مركبه
٦١٢	حصه و جذرى و حميقا
٦١٥	محافظة چشم

۶۱۵	محافظة اندرون بینی
۶۱۵	محافظة حلق
۶۱۵	محافظة شش
۶۱۵	محافظة مفاصل
۶۱۶	محافظة امعاء
۶۱۷	تدبير نپرانیدن آبله
۶۱۷	تدبير خشک کردن آبله
۶۱۸	تدبير خشک ریشه دور کردن
۶۱۸	حميقا
۶۱۸	البثور في البدن
۶۱۹	السعفة
۶۲۰	سحب الفخذ و نحوه
۶۲۰	تؤلؤل
۶۲۰	قويا
۶۲۱	الفصل السابع في تدبير الصبيان و الشبان و الكهول و المشايخ
۶۲۱	اطفال
۶۲۱	جوانان
۶۲۱	كهول
۶۲۲	قواعد كلية
۶۲۲	غذای مشايخ
۶۲۴	دلک و رياضت و تفتيح سده
۶۲۶	الفصل الثامن في علاج المرضى
۶۲۶	استعمال دوا
۶۲۶	دوا از خارج بدن
۶۲۷	نظول
۶۲۷	سکوب
۶۲۷	کمداد
۶۲۸	طلا و ضماد
۶۲۸	شموم
۶۲۸	نفوخ

۶۲۸	عطوس
۶۲۸	وجور
۶۲۸	سعو ط
۶۲۸	سنون
۶۲۸	کحل
۶۲۹	دزور
۶۲۹	برود
۶۲۹	بخور
۶۲۹	تمریح
۶۲۹	شافه
۶۲۹	فتیله
۶۳۰	آبزن
۶۳۰	وضع القدمین فی الماء المر (باشربه)
۶۳۱	شد الاطراف
۶۳۲	حمول
۶۳۲	فرزجه
۶۳۲	انکباب
۶۳۲	حقنه
۶۳۵	اما معالجه به دست، پس چون شکسته بستن و شکافتن و داغ دادن است
۶۳۵	احکام جبر
۶۳۵	کسر
۶۳۶	خلع و اخواته
۶۳۷	تدبیر وئی
۶۳۷	تدبیر وهن و وهی
۶۳۷	احکام بط
۶۳۸	احکام کی
۶۳۹	طریق داغ درد چشم و ضیق النفس نزلی
۶۳۹	طریق داغ جذام
۶۳۹	طریق داغ صداع و شقیقه و خیال مندره و نزول ماء

۶۳۹	طریق داغ شعر زائد
۶۴۰	طریق داغ غَرَب
۶۴۰	طریق داغ خراج که از شوصه تولد کند
۶۴۱	طریق داغ جگر
۶۴۱	طریق داغ سپرز
۶۴۱	طریق داغ معده
۶۴۱	طریق داغ در استسقا
۶۴۱	طریق داغ سر کشف
۶۴۲	طریق داغ مفصل سینه که جهت وجع الورك و عرق النسای کهنه کنند
۶۴۲	طریق داغ دندان که درد کند از سوء مزاج بارد ساده بود یا از بلغم و به دوا متدفع نشود
۶۴۲	طریق داغ ناصور
۶۴۷	مداوات عضو خاصه
۶۴۷	مزاج عضو
۶۴۷	خلقت عضو
۶۴۷	قوت عضو
۶۴۸	وضع عضو
۶۵۲	الفصل التاسع فی الفصد و الحجامة
۶۵۲	فصد
۶۵۲	حجامة
۶۵۲	فصد
۶۵۳	سزاوار به اخراج دم کدام مردم اند
۶۵۴	اختلافی که میان بعضی قدما و غیر هم واقع شده در اخراج دم
۶۵۵	در فصد مراعات نضج در کدام حال واجب است و در کدام حال واجب نه
۶۵۶	جواز مبادرت فصد قبل از نضج
۶۵۶	فصد با وجود تجاوز مرض
۶۵۷	قوانین عامه فصد
۶۶۰	احکام فصد به حسب حمیات
۶۶۳	احوالی که احتراز از فصد در آن واجب است

کیفیت فصدی که مراد بدان حبس خون باشد و در بیان آن چه عارض می شود از فصد غیر

واجب ----- ۶۶۵

احکام تشنه فصد ----- ۶۶۶

آن چه بعد فصد مرعی باید داشت و قبل از فصد اجتناب از آن باید کرد و بعد فصد خواب

نکنند ----- ۶۶۹

احکام کلیه که [به] بعد فصد تعلق دارد و حفظ آن از مهمات است ----- ۶۷۰

احکام عروق، مفصود ----- ۶۷۱

مآیت منافع آورده مفصود که در دست واقع اند ----- ۶۷۲

فصد شراین که در دست واقع است ----- ۶۸۰

عروق مفصوده روح ----- ۶۸۰

عروق مفصوده که بر ریه و گردن تعلق دارند ----- ۶۸۲

فتح اول در آورده ----- ۶۸۲

فتح دوم در شراین که سر سراند ----- ۶۸۴

بیان بتر و سل شراین ----- ۶۸۴

عروق مفصوده که بر شکم واقع اند ----- ۶۸۵

حجامت ----- ۶۸۵

حجامت مع الشرط ----- ۶۸۶

احکام کلیه ----- ۶۸۶

احکام جزئی که تعلق به اعضا دارد ----- ۶۸۷

حجامت بلا شرط ----- ۶۸۹

تعلیق علی ----- ۶۹۰

بحث اول ----- ۶۹۰

بحث دوم ----- ۶۹۱

بحث سوم در منافع آن ----- ۶۹۱

الفصل العاشر فی القی و الاسهال و الحقنة ----- ۶۹۳

قی ----- ۶۹۳

گاهی می باشد به دوی حاده چون خریق و مانند آن و استعمال او خطرناک دارد ----- ۶۹۳

گاهی می باشد قی به تناول طعام و پاک می سازد معده را ----- ۶۹۳

قی دو گونه است ----- ۶۹۳

- ۶۹۴----- تدابیر اثنای قی
- ۶۹۵----- اندر اوقات احوال قی
- ۶۹۵----- کسانی که صلاحیت قی ندارند
- ۶۹۵----- تدبیر بعد القی
- ۶۹۶----- تدبیر افراط قی
- ۶۹۶----- تدارک حالات که عارض شوند متقی را
- ۶۹۷----- منافع قی و بیان امراضی که از وی زائل می شود
- ۶۹۸----- اندر مضار قی
- ۶۹۸----- اسهال
- ۶۹۹----- تدابیر که پیش از اسهال به کار برند و فرق در تلین و مسهل
- ۷۰۱----- قوانین ضروری که تعریف با مسهل دارد
- ۷۰۲----- کیفیت تناول مسهلات و تشریب آب گرم و سرد بر آن
- ۷۰۳----- تشریب رایحه و طعم دوا و تدبیر آن که به قی بر نیاید
- ۷۰۴----- حالات که به آن مسهل نتوان داد
- ۷۰۴----- احکام نوم در مسهل
- ۷۰۵----- احکام حمام و تدهین و دلک روز مسهل
- ۷۰۵----- وقت مسهل
- ۷۰۷----- چون مسهل عمل تمام کند چه باید کرد و بعد او تا چند احتیاج باید نمود ما متعلق به
- ۷۰۷----- وقت قطع عمل و نشان کمال اسهال
- ۷۰۸----- اسباب افراط اسهال و ذکر تدارک افراط
- ۷۱۰----- تدبیر کسی که او را مسهل دهند و عمل نکند
- ۷۱۰----- اعراض و امراض که بعد اسهال اتفاق افتد و بیان تدارک آن
- ۷۱۲----- ترکیب ادویه مسهله
- ۷۱۳----- عمل ادویه مسهله
- ۷۱۳----- کیفیت عمل ادویه مسهله و مقیّه
- در بیان آن که در تنقیه، افتقار به اسهال کدام وقت لازم ؟ و اکتفا به فصد کدام وقت واجب است ؟ و جمع بینهما کدام وقت مجوز ؟ و عند جواز جمع، تقدم بایها ضرور
- ۷۱۸----- نوع اول: امتلا به حسب اوعیه
- ۷۱۸----- صنف اول: امتلا در همه اخلاط

صنف دوم: امتلا در بعض اخلاط ----- ۷۲۰

نوع دوم: امتلا به حسب قوت ----- ۷۲۱

نوع سوم: امتلا به حسب اوعیه به قوت بود معاً ----- ۷۲۱

حقه ----- ۷۲۱

خاتمة ----- ۷۲۳

نمایه ها ----- ۷۲۵

نمایه اصطلاحات طبی و بیماری ها ----- ۷۲۷

نمایه اعصاب و تریح ----- ۷۴۶

نمایه مفرات ----- ۷۵۸

نمایه کسان ----- ۷۷۰

نمایه جنسیت و دورهای بدن ----- ۷۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على سيد المرسلين و على آله و اصحابه اجمعين

اما بعد فقد حق جانی، محمد اکبر، عرف محمد ارزانی، مشهور رای صداقت انتمای^۱ تالیان آیین اوراق و طالبان این مذاق می گرداند که پس از تألیف طب الاکبر و حدود الامراض، اهم اغراض آن شد که نسخه ای در کتاب^۲ به نحوی که حاوی قوانین و ذخیره قواعد دلنشین باشد، بنویسد؛ اما فرصت نمی یافت. اتفاقاً عرض صاحب صادق الاخلاص و مخلصان کثیر الاختصاص "نفعهم الله سبحانه بهذا" به تدریس قانونچه محمد بن المحمّد الجفینی^۳ که نسخه ای در غایت ایجاز^۴ و لطافت است و بتأثیر سهولت حفظ مقدمات کلیات^۵ را برگزید. در جنبش قانونچه باشد، می شاید. اشتغال می نمودند. و برخی از یاران پارسی خوان که به سماعت^۶ و نیز بهره ور بودند در خواستند؛ بالضرور اقدام بر شرح وی نمودیم و زنگ خفا از روی آئینه مدعا^۷ و سبب^۸ زدودیم؛ هر چند شرح های دیگر نیز دارد اما ترصد^۹ از جناب حکیم -الیه المرجع و المآب- آن است که نفع این رساله اعم تر از همه باشد "و ما توفیقی الا بالله". و از آن که متضمن است به فوائد^{۱۰} و دلایل مطلوب^{۱۱} مسمی^{۱۲} شد به مفرح القلوب. ترقب^{۱۳} از عنایت سراسر هدایت قبولیت بخش هر ذره^{۱۴} مثال بی مقدار، کمال اعتبار بخشیده، مقبول نظر اعزه جلیل القدر سازد بمنه و کرمه^{۱۵} این رساله به ده مقاله گفته شد.

۱- عرف: معروف به.

۲- انتما: منسوب و وابسته، صداقت انتما: دارای راستی و درستی.

۳- تالیان: اسم فاعل از تلو به معنی از پس و به دنبال رفتن، پیروی. این جا کنایه است از طالبان.

۴- کلیات: مقصود کلیات علم طب است.

۵- ایجاز: خلاصه و مختصر.

۶- به تدریس قانونچه اشتغال می نمودند: نوشتن شرح بر قانونچه را درخواست می نمودند.

۷- مهمما: مکن: تا حدامکان.

۸- ترصد: امید.

۹- مسمی: نامیده.

۱۰- ترقب: انتظار، توقع.